

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ اسفند ۱۳۹۵
مصادف با: ۲۸ جمادی الاول ۱۴۳۸
جلسه: ۴۶

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: صراط دنیا و صراط آخرت

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

صراط مستقیم در دنیا

قبل از اینکه به آیه بعدی بپردازیم لازم است به یک نکته نسبتاً قابل توجه در مورد صراط مستقیم (که راهی است بین آغاز و انجام زندگی انسان) اشاره کنیم، این پرسش چه بسا در ذهن بعضی مطرح باشد، که صراط مستقیم آیا اختصاص به دنیا دارد یا مربوط به آخرت است، در ذهن بعضی هم این توهم وجود دارد که پل صراط در واقع پلی است بر فراز جهنم در آخرت که همه باید از روی این پل عبور کنند، و بعضی می‌توانند به سلامت به مقصد برسند و بعضی از فراز این پل به جهنم سقوط می‌کنند، حال آیا این صراط اختصاص به آخرت دارد یا حقیقت صراط و صراط مستقیم در این دنیا می‌باشد.

از توضیحاتی که دادیم معلوم می‌شود که صراط مستقیم در واقع در متن این دنیا می‌باشد، یعنی تخلق به اخلاق الهی و اعتقاد به معارف الهی و ایمان و باور و نیز عمل صالح، اینها ارکان صراط مستقیم در این دنیا هستند، در بعضی روایات هم به شدت و حدت و ظرافت این صراط اشاره شده است، مثل این روایت که از رسول خدا(ص) نقل شده است: «الصِّرَاطُ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ وَأَظْلَمُ مِنَ اللَّيْلِ»^۱، نظیر همین تعبیر از امام صادق(ع) نیز وارد شده است «عن ابی عبدالله (ع) قال: سألته عن الصراط، فقال هو اذق من الشعر و احد من السيف»، اما این دقیق‌تر و باریک‌تر از مو و تیزتر و بُرنده‌تر از شمشیر و نیز تاریک‌تر از شب به چه معنا می‌باشد، آیا مقصود این است که در جهنم یک راهی با این ویژگی است، که انسان باید با همین جسم و همین پاها بر روی این صراط حرکت کند و زیر آن گودالی پر از آتش است و دو طرف این گودال این پل کشیده شده است و انسان باید از این پل عبور کند، هر کس توانست عبور کند سالم به مقصد می‌رسد و کسی هم که نتوانست به قعر آتش و جهنم سقوط می‌کند.

اساس این روایت در واقع توصیف حقیقت صراط مستقیم است، یعنی پابندی به عقیده و اخلاق و عمل «أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ» است، اینکه انسان در این دنیا بخواهد عقاید صحیح و سالم داشته باشد، مراقبت بر رذایل اخلاقی داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، کار سختی است. مراقبت در سه ضلعی که به عنوان ارکان صراط مستقیم شناخته می‌شوند، بسیار سخت است، اینکه باریک‌تر از مو و تاریک‌تر از شب و بُرنده‌تر از شمشیر است، برای این است که واقعاً انسان اگر بتواند طوری زندگی کند که تمام لحظات او در این سه ضلع درست باشد کار بسیار سختی است، بسیار

۱. علم الیقین، ص ۹۶۹.

سخت تر از عبور از یک پل خارجی با این خصوصیات است، اگر واقعاً خودمان را در لحظات زندگی ارزیابی کنیم، به سختی آن پی می‌بریم اینجا فقط بحث کلیت عمل به تکالیف و واجبات نیست. این که بگوییم: ما دین اسلام را که قبول کردیم، ولایت اهل بیت را هم پذیرفتیم، پیامبر و انبیاء راه هم که قبول داریم، قرآن را هم که قبول داریم، و در صورتی که بتوانیم کار خیر هم انجام می‌دهیم، همین صراط مستقیم است و دیگر سختی ندارد، سختی و دشواری صراط مستقیم، در هر روز زندگی انسان نمایان می‌شود مثلاً فقط در یک روز بخواهیم مراقبت کنیم، از همان لحظه‌ای که از خواب بلند می‌شوید، مراقبت کنید بر خطورات ذهنی، اینکه اصلاً در ذهن شما چه می‌گذرد، خود این مراقبت دائمی بر خطورات ذهنی کار دشواری است، اینکه تا شب بخواهید بر این خطورات مسلط باشید و دروازه ذهن خود را به روی هرچیزی باز نکنید، ذهن خود را مقر و جایگاه هرچیزی قرار ندهید، مشکل است چیزهایی که به ذهن انسان خطور می‌کند از آرزوهای دور و دراز گرفته تا تصویری که خدایی ناکرده انسان از یک نامحرم در ذهن خود نگه می‌دارد، این‌ها همه خطورات ذهنی است، اینکه نسبت به خداوند چه گمانی داشته باشد، اینکه ذهن او چگونه در مورد مردم قضاوت کند، حس ظن داشته باشد یا سوءظن، اینکه خوشبین باشد یا بدبین، اینها همه خطورات ذهنی است که از یک صبح تا شب اگر انسان ملاحظه کند خواهد دید کنترل آن چه دشوار است ما که دروازه ذهن خود را برای هر رطب و یابسی باز گذاشته‌ایم، که ذهن و قلب و روح ما را مقر خودش قرار دهد، اگر بخواهیم مراقبت کنیم و دروازه بگذاریم، خاطرات ناشایست را از ذهن بیرون کنیم و آن را با عقاید و خاطرات صحیح جایگزین کنیم چه کار دشواری است، در همین کارهای عادی در طول روز اینقدر رفتارهای ما مبتنی بر لایه‌های پنهانی اخلاقی است که چه بسا امر برای خود ما هم مشتبه می‌شود، یعنی به گمان خود به کسی خوبی و دلسوزی می‌کنیم اما در واقع ریشه آن حسادت است، خیلی وقت‌ها شیطان برای کارهای ما پوشش زیبا درست می‌کند اما عمق آن که خداوند اعلم است از همه نسبت به آن، یک انگیزه نادرست و ناسالم است. حال این مراقبت را بخواهید در طول عمر داشته باشید، واقعاً کار سختی است، اینکه همه جا مواظب داشته باشیم، خدایی ناکرده ذهن خود را مقر برای این امور قرار ندهیم.

عقاید و باورهای صحیحی که باید داشته باشیم، اصلاً معرفت ما نسبت به خداوند و پیامبر و اهل بیت در چه رتبه‌ای است و چگونه است. چقدر تلاش می‌کنیم معرفت خود را بیشتر کنیم، چقدر عقاید خود را با میزان صحیح میسنجیم تا خدایی ناکرده ذهن و قلب و روح ما با یک عقیده ناصحیح گره نخورد، اصلاً خیلی از ماها اهتمام نداریم، یا تقصیر داریم یا غلو، هردو اشکال است، یا افراط داریم یا تفریط، یا نسبت به اهل بیت نقص در معرفت و تقصیر و کوتاهی داریم، یا بیش از آنچه هستند برای آنها شأن قائل هستیم، اصلاً آیا معرفت آن‌ها را به عنوان یک وظیفه می‌شناسیم یا خیر؟

حال اگر بخواهیم بنا را بر این بگذاریم که ما باید در طول زندگیمان معرفت خود را بالا ببریم، یعنی اینکه باید از فرصت‌ها استفاده کنیم و باید به یک نظام هماهنگ فکری برسیم، این کار سختی است و آسان نیست و نیاز به تلاش

دارد، ما که ذهنمان به تنبلی عادت کرده است، ما که انباشته‌های ذهنی و عقایدمان در خیلی از امور راکد مانده و کمال پیدا نکرده بالا بردن سطح معرفتمان کار بسیار سختی است.

به مراقبت‌های مربوط به خصلت‌های اخلاقی که برسیم، باز آن بسیار سخت است، اینکه مراقب باشیم حرفی که می‌زنیم از روی غرور نباشد، لحظه لحظه زندگی خود را بسنجیم که الان در درون من نار است یا نور، آتشی شعله ور می‌شود یا نوری است که فروزان می‌شود، لحظه به لحظه باید مراقب باشیم، این کار سختی است، در موقع عمل هم همین‌طور، عمل صالح ما چگونه است، آیا فقط به واجبات اکتفا می‌کنیم یا نسبت به واجبات مسامحه داریم.

در مورد محرمت‌ها هم همین‌طور، بعد سراغ مستحبات و مکروهات بیایید، لذا مراقبت دائمی در طول عمر در این سه حوزه بسیار سخت است اگر در مورد آن گفته می‌شود «أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ»، خیلی باریک است، باریک‌تر از مو که بخواهیم این سه ضلع را در وجود خود کنترل کنیم با همه آنچه که پیرامون ما از اضداد می‌گذرد، افراد و انسانهای مختلف، یکی به انسان ناسزا می‌گوید، یکی انسان را عصبانی می‌کند، یکی انسان را خوشحال می‌کند و ...، در حجم وسیعی از ارتباطات و مناسباتی که انسان با مردم دارد یا در خانه با پدر و مادر و برادر و خواهر، در حجم وسیع این ارتباطات، که در هر مورد از ارتباط با یک نفر، همه آن اضلاع قابل تجلی است، هم خطورات ذهنی و عقیده ما، هم فضایل و رذایل درونی و اخلاقی و هم عمل، با تک تک آدم‌هایی که از صبح در جامعه برخورد می‌کنیم، چه آنهایی که می‌شناسیم و چه آنهایی که نمی‌شناسیم، اگر بخواهیم یک کنترل دقیق داشته باشیم چقدر سخت است، این ممکن نیست مگر اینکه زیرساخت شخصیت انسان درست شود، شخصیت انسان اگر بر پایه ملکات اخلاقی و ایمان قلبی و هدایت خداوند شکل بگیرد، دیگر انسان اتوماتیک وار این مراقبت‌ها را در این امور دارد، پس اگر گفته می‌شود صراط مستقیم «أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَأَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ» یعنی سلوک در صراط مستقیم در این دنیا این چنین است که با این سختی‌ها و دشواری‌ها همراه است.

اینکه پیامبر می‌فرماید: «أَظْلَمُ مِنَ اللَّيْلِ» یعنی چه؟ ما هرچه تا بحال گفتیم این بوده است که صراط مستقیم مثل نور است، یعنی کأنَّ انسان در یک راه روشن پیش می‌رود. یعنی کشف چاه و چاله در مسیر کار آسانی نیست مگر کسی که مجهز به سلاح هدایت باشد، «أَظْلَمُ مِنَ اللَّيْلِ» برای کسی است که با سلاح نور به اتکاء ایمان و به پشتوانه و اعتماد عمل و ملکات اخلاقی وارد این راه نشده باشد، این راه برای کسی نور است که این زیر ساخت‌ها را برای خود فراهم کرده باشد، یعنی اگر این مراقبت‌ها را انجام دهد در واقع این تاریکی‌ها تبدیل به نور می‌شود، صراط برای تازه واردان و تازه مؤمنان این حالت را دارد، برای اینکه بخواهند در این مسیر بمانند، برای سالکان و رهروان اصلی، انبیاء و شهداء و صدیقین و صالحین، برای آنها این دقت و مراقبت برای صعود لازم است، برای تکامل و رفتن به مراحل عالی‌تر.

به هر حال این منافاتی با اینکه ما گفتیم صراط مستقیم عین نور است ندارد، اصل اینکه صراط مستقیم در دنیا می‌باشد و همین چیزی است که تا به حال ما گفتیم، تردیدی در آن نیست، این ویژگی و سختی‌ها را دارد، ولی در عین حال در آخرت هم پلی وجود دارد که از روی آن عبور می‌شود.

صراط آخرت

در روایتی از مفضل بن عمر وارد شده است «قال سمعت ابي عبدالله (ع) عن الصراط، فقال: ... و هما صراطان، صراط في الدنيا و صراط في الآخرة، فاما الصراط في الدنيا، فهو الامام المفترض الطاعة من عرفه في الدنيا واقتدا به هداه مرّ على الصراط الذي هو جسر جهنم في الآخرة، و من لم يعرفه في الدنيا ضلت قدمه عن الصراط في الآخرة فتردى في نار جهنم»^۱، می‌فرماید: دو صراط وجود دارد، یکی در دنیا و دیگری در آخرت، صراط در دنیا همان امام مفترض الطاعة می‌باشد، امام مفترض الطاعة نه یعنی اینکه من فقط بگویم این ولی خداست و من تحت ولایت او هستم، بلکه یعنی اینکه من بدانم این شخص و تمسک و توسل و اعتصام به اوست که من را می‌تواند به سر منزل مقصود برساند و من تمسک بجویم، حال در حد توان، بالاخره همه لغزش و خطا و اشتباه دارند، اما مهم این است که من این الگو را بشناسم و اقتدا کنم، صراط در دنیا امام مفترض الطاعة می‌باشد، امیرالمؤمنین و اهل بیت عصمت و طهارت هستند، کسی که در دنیا او را بشناسد و به هدایت او اقتدا کند، یعنی در مسیر او حرکت کند، این شخص «مرّ على الصراط الذي هو جسر جهنم في الآخرة» این بر آن صراطی که در آخرت است که عبارت است از یک پلی بر روی جهنم عبور می‌کند، سرعت عبور از این صراط بستگی به کیفیت سلوک در دنیا دارد، هرچه سلوک انسان در صراط مستقیم دنیا بهتر باشد، عبور او از این پل آسان‌تر و سریع‌تر است، هرچه در دنیا از این صراط فاصله داشته باشد عبور او از این پل سخت‌تر و مشکل‌تر است و چه بسا کسی که با این صراط در دنیا فاصله داشته باشد در آنجا «ذلت قدمه» قدم‌های او متزلزل و لغزان می‌شود و «فتردى في نار جهنم»، صراط در دنیا بر فراز جهنم است و صراط در آخرت هم بر فراز جهنم است، صراط در این دنیا یعنی همان مراقبت‌هایی که گفتیم در آن سه ضلع و زیر آن آتش است، این مسیر که اینقدر باریک و سخت و تاریک و بُرنده و تیز است، اگر انسان دقت نکند در همین دنیا در آتش می‌افتد، کسی که ذهن او پُر از خاطرات ناشایست است، یعنی ذهن او الان پُر از آتش است و یعنی سقوط در آتش کرده است، کسی که حسادت، تظاهر، ریا، فریب، تهمت، دروغ، در وجود او می‌باشد یعنی همین الان وجود او در آتش است و در آتش افتاده است، منتهی چون یک آتشی است که ما علائم آن را نمی‌بینیم فکر می‌کنیم گلستان است، فی الواقع آتش است کسی که با هدایت امام مفترض الطاعة فاصله داشته باشد، که خیلی از ما این‌گونه هستیم، در متن آتش زندگی می‌کنیم، امام(ره) در بعضی از آثار خود دارند که انسانی که دروغ می‌گویند با هر دروغی حیوانات موذی متولد می‌شوند و او را احاطه می‌کنند، مار و عقرب و هر حیوان گزنده و نیشداری، با یک دروغ متولد می‌شود و انسان را احاطه می‌کند ولی ما

^۱ . نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱.

نمی‌بینیم، وقتی این دروغ تکرار می‌شود، وقتی این دروغ آثار مخرب‌تری دارد و دامنه وسیع‌تری را اشغال می‌کند و در موضوعات مهم‌تری باشد، قهراً آن حیواناتی که متولد می‌شوند و اطراف انسان را احاطه می‌کنند بیشتر شده و خطرناک‌تر و قوی‌تر می‌شوند، و وقتی انسان از دنیا می‌رود و آن حجاب‌ها کنار می‌رود، انسان می‌بیند آنچه را که خودش خلق کرده است، اینگونه نیست که گسیل کنند اینها را برای ایداء و اذیت ما در عالم برزخ، و سپس در قیامت، خود ما اینها را از پیش گسیل کرده‌ایم، طبق آیه قرآن «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ...»^۱، روزی می‌رسد که هرکسی آنچه را که خودش پیش فرستاده می‌یابد، این مارو عقرب و این‌ها ولیده‌های انسان به خاطر این رذایل هستند، پس همین الان ما در آتش و عذاب هستیم اگر در آن سه حوزه نقص داریم. صراط مستقیم در دنیا هم بر فراز آتش است و اگر کسی مراقبت نکند سقوط می‌کند، صراط در آخرت هم همینطور، آن هم بر فراز آتش است، در حقیقت جلوه و تمثلی از صراط در دنیا است، به هیچ وجه جدای از آن نیست، آتش آن، آتش اعمال ما، رذایل اخلاقی و خاطرات ناشایت و کدورت‌های قلبی ما می‌باشد و مایه نجات آن هم قدرت ما بر مهار این رذیلت‌ها و آتش عصیان و آتش خطورات ذهنی ناشایست است. پس صراط هم در دنیا می‌باشد و هم در آخرت و هر دو بر فراز جهنم است، کسی که در مسیر صراط مستقیم حرکت کند نجات پیدا می‌کند، و کسی که در این مسیر نباشد سقوط می‌کند.

به این نکته باید توجه کرد که در بعضی از روایت آمده مسیر وصول به جنة از جهنم می‌گذرد، در روایتی وارد شده است که «ان الله لا يدخل احداً الجنة حتى يطلع على النار و ما فيها من العذاب، ليعلم تمام فضل الله عليه و کمال فضله و احسانه اليه فيزداد لذلك فرحاً و سرورا بالجنة و نعيمان» خداوند هیچ‌کس را بر بهشت داخل نمی‌کند مگر اینکه او را از آتش می‌گذراند، هیچ‌کس بدون اطلاع و آگاهی از آتش وارد بهشت نمی‌شود، و اینکه می‌بیند عذاب‌هایی که در جهنم است، آتش و عذاب‌ها را می‌بیند، چرا خداوند این کار را می‌کند؟ مرور دادن بر آتش نه لزوماً به معنای اذیت شدن از آتش است، مرور می‌دهد برای اینکه بداند خداوند چه فضلی نسبت به او داشته است و کمال احسان او را ببیند و آنوقت است که آن شادی و شادمانی و سروری که از رسیدن به بهشت در او ایجاد می‌شود به مراتب بیشتر می‌شود، وقتی اینها را ببیند قدر بهشت و جنة را می‌داند، وقتی اینها را نبیند شاید آن‌طور که باید فاصله و تفاوت را حس نکند، آنوقت این مرور دادن و عبور داده شدن از آتش هم در صراط دنیا است و هم در صراط آخرت، رفتن در صراط مستقیم دنیا مستلزم گذر از آتش است، یعنی ما باید از این آتش عبور کنیم، آتشی‌های اطراف ما شعله ور است، گاهی به گونه‌ای عمل می‌کنیم که این آتش‌ها را به جان خود می‌اندازیم، بعضی این را متوجه می‌شوند و بعضی متوجه نمی‌شوند، در آخرت هم همین‌گونه است، عبور داده شدن بر جهنم مثل همین دنیا و به همان هدف است، اگر کسی از این آتش‌ها عبور کند، وقتی به جنة می‌رسد، با همه مراتب آن، جنتی که «تجری من تحتها الانهار» و «حور العين» این پایین‌ترین

۱. سوره آل عمران: آیه ۳۰.

مرتبه جنة است، تا برسد به «جنة اللقاء» که غایت القصوای اولیاء خدا می‌باشد، آنها به دنبال آن جنة هستند اینقدر برای آنها لذت دارد که به این مرتبه پایین فکر نمی‌کنند.

خلاصه اینکه صراط مستقیم که ما باید از آغاز تا پایان طی کنیم در دنیا است، و هدایتی هم که ما از خداوند آن را می‌خواهیم، مسیر آن این صراط مستقیم می‌باشد و بر فراز آتش‌ها می‌گذرد، امام(ره) می‌فرماید: خود این هدایت مراتب و مراحل دارد، هدایت از نور اسلام گرفته تا آخرین مرحله آن که هدایت به نور توحید است و بالاترین مرتبه هدایت این می‌باشد که انسان به نور توحید برسد.

«والحمد لله رب العالمین»